

بررسی مقاله «انجیل» در دایره المعارف قرآن لایدن*

محمد کاظم شاکر** و صمد اسمی***

چکیده

نویسنده مدخل «انجیل» در دائرة المعارف لایدن معتقد است به رغم اینکه درون مایه‌های مشترکی میان قرآن کریم و اناجیل موجود یافت می‌شود و در برخی موارد مطالبی در قرآن کریم آمده است که در متون مسیحیت معادلی برای آن وجود ندارد از جمله پیشگویی ظهور پیامبر اکرم ﷺ کاربرد لفظ مفرد انجیل در قرآن و عدم اشاره به اناجیل متعدد و اختلاف مفهومی در باب انجیل که موجب شده است مسلمانان، مسیحیان را به تحریف انجیل متهم نمایند. ولی درباره بشارت ظهور پیامبر اکرم ﷺ فرازهایی از متون مسیحیت آن را تأیید می‌نماید. در اناجیل موجود و دیگر کتاب‌های عهد جدید بارها از انجیل آن هم فقط به لفظ مفرد سخن رفته است، بدون آنکه از آن، اناجیل چهارگانه یا همانند آنها قصد شده باشد و برخلاف اعتقاد مسیحیان، نظریه قرآن کریم در مورد انجیل به عنوان وحیی که خداوند بر حضرت عیسی (علیه السلام) اعطا نموده است، نیز قابل اثبات است. آنچه بیشتر موجب بدگمانی مسلمانان نسبت به متون مسیحیان و اعتبار آن گشته است، مخالفت قرآن کریم با برخی از مطالب آنها از جمله ارکان اصلی مسیحیت (تثلیث، تصلیب و تفدییه) می‌باشد.

کلید واژگان: قرآن، انجیل، اناجیل، عهد جدید، کتاب مقدس، دائرة المعارف قرآن لایدن

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۲/۳۰ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۴/۱۰/۹.

** استاد دانشگاه قم: mk_shaker@yahoo.com

*** دانش‌آموخته دکترای علوم قرآن و حدیث دانشکده اصول الدین (نویسنده مسئول): esmi1589@gmail.com

مقدمه

از دیدگاه قرآن کریم، انجیل کتابی است آسمانی که خداوند آن را بر حضرت عیسی (علیه السلام) فرو فرستاده است، همان طور که تورات را بر حضرت موسی (علیه السلام) و قرآن را بر حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) نازل کرده است. بی گمان، آنچه امروز در اختیار مسیحیان قرار دارد و از آن به «کتاب مقدس» تعبیر می کنند، غیر از آن انجیلی است که خداوند سبحان بر حضرت مسیح (علیه السلام) نازل نموده است.

با مطالعه آیات قرآن در مورد انجیل و با در نظر گرفتن واقعیت‌های تاریخی و اعتقادات مسیحیان در این باره، سؤالاتی مطرح می شود که باید به آنها پاسخ گفت: برخی از این سؤالات بدین قرار است: وقتی قرآن از انجیل موجود در نزد مسیحیان عصر نزول سخن می گوید، کدام کتاب مسیحیان را قصد کرده است؟ اگر منظور قرآن از انجیل، همان چهار انجیل معروف است، چرا آن را با لفظ مفرد آورده است؟ در صورتی که انجیل خاصی از انجیل چهارگانه را قصد کرده است، چرا با نام از آن انجیل یاد نکرده است؟ یادکرد از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و نیز مثل یاران آن حضرت (علیهم السلام) که قرآن کریم به آنها اشاره دارد، در کدام انجیل موجود است؟ اینها مباحثی هستند که در مدخل «انجیل» در دائرة المعارف قرآن لایدن نیز مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است؛ بنابراین، در این نوشتار برای یافتن پاسخ این سؤالات، دیدگاه‌های قرآن و مسیحیان درباره انجیل به تفصیل مورد بررسی قرار می گیرد تا حقایق در این باره روشن گردد.

ترجمه مقاله

انجیل در مسیحیت، «مژده‌ای» است که در مورد عیسی مسیح تبلیغ می شود. اما در قرآن، بخشی از پیام الهی است که به عیسی (علیه السلام) ابلاغ شده است. از ۱۲ مرتبه‌ای که واژه انجیل در قرآن کریم ذکر شده، نه بار همراه با تورات، به منزله کتاب آسمانی نازل شده از سوی خداوند به کار رفته است. تورات و انجیل همراه با حکمت، به نظر می آید که «کتاب مقدس» (الکتاب) را تشکیل می دهند که به گفته قرآن، خداوند به عیسی تعلیم داده است (آل عمران / ۴۶؛ مائده / ۱۱۰). قرآن دو مرتبه به وضوح بیان می کند که خداوند انجیل را به عیسی اعطا کرده است (مائده / ۴۶؛ حدید / ۲۷) و یک بار نیز فرمان می دهد که اهل انجیل مطابق آنچه خداوند بر ایشان نازل کرده است، داوری کنند (مائده / ۴۷).

در برخی از آیات قرآن برای مخاطبان دانشی پیشین نسبت به شخصیت‌ها و داستان‌های انجیل فرض شده است. در برخی از آیات داستان‌های کاملاً مشابه با انجیل رسمی مسیحیان ذکر شده است (آل عمران / ۴۵-۴۷). در بعضی دیگر نیز درون‌مایه‌های مشابه با انجیل‌های غیر رسمی مسیحیان یا منابع دیگری از دانش دوران اولیه مسیحیان یافت می‌شود (مأده / ۱۱۰).

برخی از بیانات حضرت عیسی (علیه السلام) و قصص مربوط به او که در قرآن آمده، در متون مسیحی وجود ندارد. علاوه بر این، قرآن کریم به صراحت ادعا می‌کند که تورات و انجیل به ظهور حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) بشارت داده و خود عیسی (علیه السلام) این موضوع را پیشگویی کرده است (اعراف / ۱۵۷، صف / ۶).

واژه عربی انجیل مشتق از واژه یونانی «إِنْجِيلِيون» (evangelion) است، اما سیر دقیق زبان‌شناسانه‌ای که این واژه از طریق آن به صورت فعلی به زبان عربی راه یافته، مشخص نیست. با توجه به اینکه تمامی اشارات قرآن به انجیل جز یک مورد در سوره‌های مدنی است، برخی دانشمندان معتقدند صورت حبشی این واژه، «ونجیل» (wāngēl)، نه تنها به لحاظ واژه‌شناسی، بلکه به لحاظ سیر تاریخی نیز محتمل‌ترین نیای واژه عربی انجیل است. از دیدگاه قرآن، انجیل کتاب مقدسی است که خداوند به عیسی (علیه السلام) اعطا کرده است؛ همان‌طور که تورات را به موسی (علیه السلام) و قرآن را به حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) اعطا نموده است (توبه / ۱۱۱). در مقابل، در دیدگاه متداول در مسیحیت، انجیل اعلام بشارت الهی به رستگاری کل بشریت در جامعه انسانی است که خداوند این رستگاری را از طریق مسیح تحقق بخشیده است. اکثر مسیحیان معتقدند انجیل را نویسندگان چهار متن رسمی در پرتو الهام الهی نوشته‌اند: انجیل به روایت متی، انجیل به روایت مرقس و انجیل به روایت لوقا و انجیل به روایت یوحنا که همگی در ابتدا به زبان یونانی نوشته شده بودند.

در قرآن کریم واژه «انجیل» به صورت مفرد به کار رفته و به انجیل‌های متعدد اشاره‌ای نشده است. اختلاف مفهومی میان دیدگاه اسلامی و مسیحی در باب انجیل به سرعت باعث شد که مفسران مسلمان، مسیحیان را به تحریف انجیل اصلی مذکور در قرآن متهم کنند؛ همان‌طور که به گفته قرآن، یهودیان تورات را تحریف کرده بودند (نساء / ۴۶، مأده / ۱۳) (قرآن کریم در جایی به صراحت نگفته است که یهودیان تورات را تحریف کرده‌اند).

برخی نویسندگان اوایل دوره اسلامی معتقدند انجیل اصلی به زبان عبری یا آرامی نوشته شده بود که هردو در جامعه یهودیان معاصر عیسی (علیه السلام) رایج بود. گرچه مطابق برخی روایات اسلامی نخستین بار ورقة بن نوفل، انجیل را به زبان عربی ترجمه کرد، اما شواهد متنی موجود نشان می‌دهد که نخستین ترجمه‌های عربی انجیل را راهبان مسیحی فلسطین از نسخه‌های اصلی یونانی و بعد از ظهور اسلام در اواخر قرن هشتم میلادی انجام داده‌اند. برخی شواهد نشان می‌دهد که واژه «انجیل» در اوایل دوره اسلامی برای کل عهد جدید به کار رفته است؛ همان طور که نام تورات نه تنها برای اسفار خمسه، بلکه برای کل متون مقدس یهودی به کار رفته است. گرچه برخی نویسندگان دوره اسلامی از قبیل ابن قتیبه (۲۷۶ق) و یعقوبی (۳۹۲ق) آزادانه بخش‌هایی از انجیل مسیحان را نقل کرده‌اند، اما نوع نویسندگان مسلمان دوران اولیه، شخصیت‌ها و داستان‌های انجیل را به صورتی که در قرآن یا سایر متون اولیه اسلامی آمده، ذکر می‌کنند. به همین دلیل، بسیاری از گفته‌های عیسی (علیه السلام) که در متون اسلامی رایج است، در متون مسیحی معادلی ندارد.

متنی موسوم به «انجیل برنابا» رواج گسترده‌ای در دوران جدید داشته است. این متن در سال ۱۷۰۹م. در کتابی خطی به زبان ایتالیایی در آمستردام کشف شد. پس از ترجمه این اثر به عربی در اوایل قرن بیستم، برخی ادعا کرده‌اند که این همان انجیل اصلی است که قرآن به آن اشاره کرده است. در حقیقت، نشان داده شده است که خاستگاه انجیل برنابا غرب مدیترانه (احتمالاً اسپانیا) است و در قرن شانزدهم نوشته شده است.

بررسی

۱- مفهوم شناسی واژه انجیل

تردیدی نیست که واژه انجیل پیوندی ناگسستنی با حضرت عیسی (علیه السلام) دارد. این کلمه در اصل، یونانی است و بیشترین کاربرد آن در متون عهد جدید که به زبان یونانی نوشته است می‌توان یافت (با جستجو در متن یونانی عهد جدید معلوم شد که در عهد جدید ۱۱۸ بار این واژه به کار رفته است). در قرآن کریم نیز این واژه ۱۲ بار به کار رفته است؛ گرچه در مفهوم این کلمه هیچ اختلافی وجود ندارد، در مصداق یا مصادیق آن اختلاف نظر شدیدی وجود دارد.

واژه انجیل در زبان یونانی، «اوانگلیون» (Ευαγγέλιον) است که در لاتین، به صورت «اوانجلیوم» تلفظ می‌شود. در زبان انگلیسی، واژه «Gospel» معادل «انجیل» به کار رفته است (E.I,3/1205,E.Q,2/342) که اصل آن در انگلیسی باستان، «GodSpell» است (شاکر، دائرة المعارف قرآن کریم، ۱۳۸۶: ۴/۴۴۵؛ مرکز فرهنگ و معارف قرآن، اعلام قرآن، ۱۳۸۵: ۲/۴۰۳). این کلمه نیز مرکب از دو واژه انگلوساکسون «God» و «Spell» و در مجموع به معنای «کلام الهی»، (E.R.S,6/333) یا «املاى خداوند» (شاکر، مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۵: ۲/۴۰۳)، «بشارت» یا «خبر خوش» «good news» (E.Q.2/342) است.

در مورد راهیابی مستقیم یا با واسطه این واژه به زبان عربی اختلاف نظر وجود دارد. برخی مفسران مسلمان در تلاش برای عربی نشان دادن واژه یاد شده، آن را بر وزن إفعیل، از ریشه «ن - ج - ل» دانسته و معانی «تنازع، شکاف، اصل، طبع و سعه» برایش گفته‌اند (طوسی، التبیان، بی تا: ۵۴۲/۳؛ طبرسی، مجمع‌البیان، ۱۳۷۲: ۶۹۴/۲؛ قرطبی، تفسیر قرطبی، ۱۳۶۴: ۶/۴). این نظر، مقبول واژه‌نگاران عربی نیفتاده است. آنها بر دخیل بودن و وامگیری آن از زبان عبری، یونانی یا سریانی تأکید می‌ورزند (زیبیدی، تاج العروس، بی تا: ۱۲۸/۸؛ ابن منظور، لسان العرب، بی تا: ۵۸/۱۴؛ مصطفوی، التحقيق، بی تا: ۳۹/۱۲). اغلب مفسران مسلمان نیز انجیل را از واژگان دخیل می‌دانند (فخر رازی، التفسیر الکبیر، ۱۴۲۰: ۷/۱۷۱؛ رشید رضا، تفسیر المنار، ۱۳۴۲: ۱۵۸/۳؛ آلوسی، روح المعانی، ۱۴۱۵: ۳/۱۲۴). نولدکه، خاورشناس معروف، بر وامگیری از طریق گویش حبشی آن، یعنی «Wangel» استدلال می‌کند (E.I,3/1205) و برخی از خاورشناسان این کلمه را از واژگان دخیل در قرآن دانسته و احتمال داده‌اند که به طور مستقیم از یونانی یا یکی از زبان‌های سریانی، عبری یا سبایی به عربی راه یافته باشد (آرتور جفری، واژگان دخیل در قرآن، ۱۳۸۶: ۲-۱۳۱).

بنابراین، می‌توان گفت، چون متون نخستین مسیحی به زبان یونانی بوده، «انجیل» از واژه یونانی «اوانگلیون» گرفته شده (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، دائرة المعارف قرآن کریم، ۱۳۸۶: ۴/۴۴۵، مرکز فرهنگ و معارف قرآن، اعلام قرآن، ۱۳۸۵: ۲/۴۰۳) و از واژگان معرب در زبان عربی می‌باشد.

۲- حقیقت انجیل مسیحی

سیدنی ه. گریفیت، نگارنده مقاله انجیل در دائرة المعارف لایدن، معتقد است درباره ماهیت و حقیقت انجیل میان مسلمانان و مسیحیان اختلاف مبنایی وجود دارد: «انجیل در مسیحیت به معنای «خبر خوش» یا «بشارت الهی» است که درباره عیسی مسیح علیه السلام سخن می‌گوید، اما در قرآن، بخشی از پیام الهی است که به عیسی علیه السلام ابلاغ شده است.» و در ادامه گفته است: اکثر مسیحیان معتقدند اناجیل چهارگانه را متی، مرقس، لوقا و یوحنا در پرتو الهام الهی نوشته‌اند، اما در قرآن کریم واژه انجیل به صورت مفرد به کار رفته و به انجیل‌های متعدد اشاره‌ای نشده است.

گریفیت معتقد است که این اختلاف مفهومی درباره انجیل میان مسلمانان و مسیحیان باعث شده است تا مفسران مسلمان، مسیحیان را به تحریف انجیل اصلی مذکور در قرآن متهم کنند.

این نوشتار در صدد است تا چند و چون انجیل مسیحی و انجیل مورد نظر قرآن را مورد بررسی قرار دهد و حقایق دیدگاه قرآن را در این زمینه به اثبات برساند.

الف) انجیل از نگاه قرآن کریم

واژه انجیل دوازده بار در قرآن کریم به کار رفته است (آل عمران/ ۳، ۴۸ و ۶۵؛ مائده/ ۴۶-۴۷، ۶۶، ۶۸، ۱۱۰؛ اعراف/ ۱۵۷؛ توبه/ ۱۱۱؛ فتح/ ۲۹؛ حدید/ ۲۷). در تمام این آیات انجیل به صورت مفرد به کار رفته و اناجیل متعدد بر نمی‌تابد.

در دو آیه انجیل وحی الهی است که خداوند به عیسی علیه السلام داده است: ﴿أَتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ﴾ (حدید/ ۲۷؛ مائده/ ۴۶) و در برخی فرازها تعابیری همچون ﴿مَا بَيْنَ يَدَيْهِ﴾ (آل عمران/ ۳؛ فاطر/ ۳۱؛ احقاف/ ۳۰) و ﴿الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ﴾ (انعام/ ۹۲؛ یونس/ ۳۷؛ یوسف/ ۱۱۱؛ سبأ/ ۳۱) به کار رفته که به کتاب‌های آسمانی پیش از قرآن کریم یعنی تورات و انجیل اشاره دارد. علاوه بر این، گاهی انجیل از مصادیق حتمی و مورد اشاره «الکتاب» در ترکیباتی چون «اهل الکتاب» (آل عمران/ ۶۵-۶۴؛ نساء/ ۱۷۱) و ﴿الَّذِينَ آتَوْا الْکِتَابَ﴾ (بقره/ ۱۴۶؛ نساء/ ۴۷، ۱۳۱؛ مائده/ ۵) نیز هست.

بنابراین، در دیدگاه قرآن کریم، انجیل به عنوان پیام وحیانی در شریعت عیسی علیه السلام همان نقشی را دارد که تورات در شریعت موسی علیه السلام و قرآن کریم در شریعت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم

دارد؛ از این رو، نه بار انجیل به عنوان زوج تورات (آل عمران / ۳، ۴۸ و ۶۵؛ مائده / ۴۶، ۶۶، ۶۸ و ۱۱۰؛ اعراف / ۱۵۷؛ توبه / ۱۱۱) و دو بار در کنار تورات و قرآن کریم (آل عمران / ۳؛ توبه / ۱۱۱) یاد شده است.

در بینش قرآنی همان گونه که خداوند قرآن کریم را به حضرت محمد ﷺ تعلیم داده ﴿عَلَّمَ الْقُرْآنَ﴾ (الرحمن / ۲)، تورات و انجیل را نیز به حضرت عیسیٰ ﷺ تعلیم نموده است: ﴿إِذْ عَلَّمْنَاكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ﴾ (مائده / ۱۱۰)؛ ﴿يُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ﴾ (آل عمران / ۴۸) و پذیرش حقانیت آن از سوی مسلمانان از شروط ایمان دانسته شده است (بقره / ۴؛ نساء / ۶۰ و ۱۶۲). بدین سبب انجیل نزد مسلمانان تقدس و حرمتی خاص دارد و در برخی ادعیه و اذکار به آن سوگند یاد شده است (مسلم، الصحيح، بی تا: ۴ / ۲۰۸۴؛ ابوداؤد، سنن، بی تا: ۴ / ۳۱۲؛ کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۲ / ۵۷۶؛ ابن طاووس، اقبال الاعمال، ۱۴۰۹: ۱ / ۳۳۷ و ۲ / ۶۱۲).

بنابراین، می توان چنین نتیجه گرفت که یاد کرد انجیل در کنار تورات و قرآن کریم به عنوان «کتاب»، موجودیت و واقعیت خارجی آن را به عنوان مجموعه ای از تعالیم آسمانی و شریعت الهی - که برای هدایت و سعادت مندی امت مسیح ﷺ فرو فرستاده شده - ثابت می کند. البته این نکته را باید متذکر شد که قرآن کریم علاوه بر اینکه به انجیل اصلی اشاره دارد، در برخی از آیات به دست نوشته بشری موسوم به انجیل موجود در عصر نزول نیز اشاره دارد که در ادامه مورد اشاره قرار می دهیم.

ب) انجیل از دیدگاه مسیحیان

اعتقاد مسیحیان درباره حقیقت و چیستی انجیل با مفهوم آن در قرآن کریم که به مثابه کتاب آسمانی است که به حضرت مسیح ﷺ وحی شده است، کاملاً متفاوت است. دیدگاه رایج در مسیحیت، این است که انجیل اعلام بشارت الهی به رستگاری کل بشریت در جامعه انسانی است که خداوند این رستگاری را از طریق حضرت مسیح ﷺ تحقق بخشیده است. در قاموس کتاب مقدس با اشاره به درون مایه هایی از نوشته های عهد جدید در باره انجیل آمده است: انجیل لفظی یونانی و به معنی مژده و بشارت می باشد و قصد از بشارت، «فدا و موت و قیام عیسی مسیح» است که برای ما عاصیان به عمل آورده است (جیمز هاکس، قاموس کتاب مقدس ۱۳۷۷، مدخل «انجیل»).

به گفته یکی از نویسندگان مسیحی، مسیحیان هرگز معتقد نیستند حضرت عیسی (علیه السلام) کتابی به نام «انجیل» آورده است. مسیحیان عیسی (علیه السلام) را «تجسم وحی الهی» می‌دانند و به عقیده آنان، وی نه حامل پیام، بلکه عین پیام بوده است؛ بنابراین، آنها به انجیلی که عیسی مسیح (علیه السلام) آن را نوشته باشد یا بر شاگردانش املا کرده باشد، اعتقادی ندارند (میشل، کلام مسیحی، ۱۳۸۱: ۴۹). در این نوشتار به تاریخ نگارش انجیل و همچنین کاربرد انجیل در متون مسیحیت می‌پردازیم تا حقیقت روشن شود.

۳- تاریخ نگارش انجیل و نوشتار بشری موسوم به انجیل

واژه انجیل در تاریخ موجود از مسیحیت در معانی و مصادیق مختلفی به کار رفته است. در قدیمی‌ترین متون به جای مانده از مسیحیت، یعنی متون عهد جدید، هیچ‌گاه واژه انجیل در معنایی که الاهیدانان مسیحی می‌گویند و نویسنده مقاله انجیل در دایرة المعارف و دیگر مسیحیان مدعی هستند، صراحت و حتی ظهور ندارد. یکی از مواردی که اصطلاح انجیل در متون عهد جدید در آن به کار رفته است، مژده ملکوت خداوند است که ظهور در حیات جاودانی پس از مرگ دارد. هر کس سخنان حضرت عیسی (علیه السلام) را - مطابق آنچه از مسیحیان به جای مانده است - مطالعه کند به روشنی در می‌یابد که مهم‌ترین موضوعی که حضرت عیسی (علیه السلام) در مورد آن هشدار داده و در باب آن سخن گفته، موضوع حیات جاودانی است. دانشمندان مسیحی نیز به این امر اذعان دارند (رک: آلیستر مک‌گراث، درسنامه الهیات مسیحی، ۱۳۹۲: ۲/۵۹۴)؛ بنابراین، شاید از همین روست که تعلیمات حضرت عیسی مسیح (علیه السلام) انجیل نام گرفته است. در اواخر سده نخست میلادی، نوشته‌هایی با عنوان «خاطرات رسولان» در کنار اعمال، نامه‌ها و مکاشفات رسولان پدید آمد. هدف این نوشته‌ها، ثبت گوشه‌هایی از زندگی حضرت عیسی (علیه السلام) مشتمل بر افعال و اقوال وی بود. این نوشته‌ها تا نیمه نخست سده دوم میلادی به عنوان خاطرات رسولان شناخته می‌شد و در اواخر سده دوم میلادی به «انجیل» شهرت یافتند (آشتیانی، تحقیقی در دین مسیح، ۱۳۶۸: ۴۱؛ شاکر، انجیل با دو قرائت، ۱۳۸۴: ۷۸) در نیمه دوم قرن دوم یوستینوس نخستین کسی بود که به «خاطرات رسولان» اشاره کرد و آنها را «انجیل‌ها» نامید (بجنوردی، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۳: ۱۰/۳۱۸).

در دو سه دهه نخست تاریخ مسیحیت، بودن کتابی به نام انجیل و منسوب به مسیح (علیه السلام) از نظر منابع تاریخی مستقل از متون مسیحی و اسلامی در حاله‌ای از ابهام قرار دارد (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، اعلام قرآن، ۱۳۸۵: ۲/ ۴۰۶). در ۳۰ تا ۴۰ سال نخست میلادی، تعلیم مسیحیت، تقریباً فقط به صورت شفاهی و گاه با نامه‌نگاری انجام می‌گرفت. اما کاستی‌ها و کافی نبودن تعلیم رساله‌ها و روایت‌های شفاهی، زمینه انجیل‌نگاری را فراهم ساخت (همان).

از آن پس، انجیل به تدریج مفهوم نوشته‌ای را به خود گرفت که در بردارنده بشارت به معنای خاص مسیحی آن بود. نوشته شدن این انجیل‌ها زمانی شروع شد که مسیحیت توسط پولس که سال‌ها بعد از حضرت عیسی (علیه السلام) به این دین ایمان آورد، تبلیغ می‌شد (جان، تاریخ جامع ادیان، ۶۱۴). مسیحیان خود می‌گویند که نام حدود پنجاه انجیل از این نوع به دست ما رسیده است، با این حال، تنها از بیست مورد از آنها اکنون اطلاعاتی در دسترس است که انجیل عبرانیان، انجیل پطرس، انجیل مصریان، انجیل فیلیپ، انجیل توما، انجیل یعقوب، انجیل نیکوداموس، انجیل دوازده حواری، انجیل یهودا و انجیل مارکیون از جمله آنهاست (شاکر، انجیل با دو قرائت، ۱۳۸۴: ۷۸). کلیسای مسیحی در اواخر قرن دوم میلادی از میان نوشته‌های متنوع، تعدادی را به عنوان کتاب‌های قانونی و معتبر (Canon) گزینش کرد که به عنوان «عهد جدید» در کنار «عهد قدیم» دومین بخش از کتاب مقدس مسیحیان را تشکیل داد (میشل، کلام مسیحی، ۱۳۸۱: ۴۲). در سال ۳۸۲ م. انجمنی از اسقفان، لیست نهایی حاوی بیست‌وهفت کتاب را نهایی کردند که این لیست به طور مجدد توسط مجمع تِرِنْت (Trent) در فاصله سال‌های ۱۵۴۵-۷ م. مورد تأیید قرار گرفت.

نوشته‌های دیگر که مورد تأیید کلیسا قرار نگرفت، به عنوان «اپوکریفا» یعنی نوشته‌های مشکوک و غیرمعتبر شناخته شدند که تعداد بسیاری از آنها از بین رفته و تعدادی از آنها نیز هنوز باقی است. این نوشته‌ها در هر چهار گروه از نوشته‌ها (نامه‌ها، اعمال، اناجیل و مکاشفات) یافت می‌شوند (همان).

۴- بررسی وحیانی بودن انجیل مسیح (علیه السلام) در قرآن و متون مسیحیت

برخلاف اعتقاد مسیحیان، نظریه قرآن کریم در مورد انجیل به عنوان «وحیی که خداوند به حضرت عیسی (علیه السلام) داده است» (مائده/ ۴۶؛ حدید/ ۲۷). از طریق متون موجود مسیحیان نیز قابل اثبات است.

بر اساس دیدگاه قرآن کریم عیسی علیه السلام بنده و پیامبر خداست (مریم / ۳۰؛ آل عمران / ۵۹؛ نساء / ۱۷۱؛ صف / ۶) و همچون پیامبران دیگر بشری بوده که از جانب خداوند وحی دریافت می کرده و برای اثبات پیامبری خود معجزاتی را آورده است (بقره / ۸۷ و ۲۵۳؛ نساء / ۱۶۳؛ مائده / ۱۱۰) و از این جهت که بر او وحی شده، بین او و پیامبران دیگر هیچ فرقی نیست (بقره / ۱۳۶، آل عمران / ۸۴).

از طرف دیگر، وحیی که بر عیسی علیه السلام نازل شده، مشتمل بر معارف (مائده / ۴۶)، احکام تشریحی و اخلاق (آل عمران / ۵۰؛ مائده / ۴۷) بوده است. به بیان دیگر، او صرفاً مبلغ شریعت یهود نبوده است، بلکه ضمن تصدیق و تکمیل تورات، حامل پیام جدیدی نیز بوده که خداوند این وحی و پیام جدید را «انجیل» نامیده است (شاکر، انجیل با دوقرائت، ۱۳۸۴: ۷۹-۹۰).

با مراجعه به متون مسیحیت، نظریه قرآن کریم مبتنی بر وحیانی بودن انجیل اصلی (مورد نظر قرآن) اثبات شدنی است. برخی از فرازهای متون عهد جدید دلالت دارد که عیسی علیه السلام بنده و پیامبر خدا بوده است: «خدای ابراهیم و اسحاق و یعقوب، خدای اجداد ما، بنده خود عیسی را جلال داد» (اعمال رسولان، ۱۳ / ۳ و ۲۶).

هم او خودش را یک پیامبر می دانسته و هم دیگران او را به عنوان پیامبر می شناخته اند: «وقتی مردم شهر ناصره احترام او را نگه نداشتند، عیسی به ایشان گفت: یک پیامبر همه جا مورد احترام است، جز در وطن خود و بین هموطنان خویش» (متی، ۱۳ / ۵۷-۵۸)؛ «وقتی او وارد اورشلیم شد، تمام شهر به هیجان آمد. مردم می پرسیدند: این مرد کیست؟ جواب می شنیدند: او عیسای پیغمبر است از ناصره جلیل» (متی، ۲۱ / ۱۰-۱۱).

در برخی از فرازهای عهد جدید آمده است که هم معجزاتش را به اذن خدا انجام می داده و هم از سوی خداوند وحی بر او نازل می شده است. در عهد جدید از قول پطرس، یکی از حواریون عیسی علیه السلام آمده است: «مگر خیال می کنید که ما با قدرت و دینداری خودمان این شخص را شفا داده ایم؟ این خدای ابراهیم، اسحاق، یعقوب و خدای اجداد ماست که با این معجزه، خدمتگزار خود عیسی را سرافراز کرده است» (اعمال رسولان، ۱۳-۱۲ / ۳).

وقتی که سران قوم یهود از سخنان عیسی تعجب کردند و به یکدیگر گفتند: عجیب است! چگونه امکان دارد شخصی که هیچ وقت در مدرسه دینی ما درس نخوانده است، این قدر معلومات داشته باشد؟ عیسی علیه السلام به ایشان فرمود: «آنچه به شما می گویم، از فکر و نظر خودم نیست، بلکه از خدایی است که مرا فرستاده است. اگر کسی به راستی بخواهد مطابق خواست خدا زندگی کند، پی خواهد برد که آنچه من می گویم، از جانب خداست نه از خودم» (یوحنا، ۷ / ۱۵-۱۷؛ ۱۴ / ۲۴).

از این سخن عیسی علیه السلام صدق بیان قرآن کریم نیز تأیید می‌شود که او نه تنها انجیل را از خدا دریافت کرده، بلکه تورات موسی علیه السلام را نیز از طریق وحی گرفته است (آل عمران / ۴۸؛ مائده / ۱۱۰)؛ چرا که یهودیان می‌گویند، او هیچ وقت در مدرسه دینی ما درس نخوانده است. بدیهی است که تورات اصلی‌ترین متن آموزشی مدرسه دینی یهودیان بوده است و معلوم می‌شود که عیسی مسیح علیه السلام بدون درس خواندن نزد یهودیان، از آموزه‌های تورات کاملاً مطلع بوده که باعث تعجب علمای یهود شده است (شاکر، انجیل با دو قرائت، ۱۳۸۴: ۸۱-۸۰).

فرازهای دیگری از انجیل موجود از قول عیسی علیه السلام بیان می‌کند که او ضمن تأیید و تصدیق تورات، احکام و معارف جدیدی را نیز به مردم عرضه می‌کرد. در موعظه سرکوه عیسی علیه السلام می‌فرماید: «گمان مبرید که آمده‌ام تا تورات موسی و نوشته‌های سایر انبیا را منسوخ کنم. من آمده‌ام تا آنها را تکمیل نمایم و به انجام رسانم» (متی، ۵ / ۱۷) و آنگاه به نقل احکام تورات پرداخته، حکم تکمیلی آنها را نیز بیان کرده است؛ برای مثال می‌گوید: گفته شده است که زنا مکن، ولی من می‌گویم که اگر حتی با نظر شهوت آلود به زنی نگاه کنی، همان لحظه در دل خود با او زنا کرده‌ای ... (متی، ۵ / ۲۸-۲۷).

این فرازها روشن می‌سازد که سخن عیسی علیه السلام نیز از جنس سخن پیامبران قبل از اوست (شاکر، انجیل با دو قرائت، ۱۳۸۴: ۸۲) که از جانب خداوند بدو وحی شده است. نهایت آنکه ضمن تصدیق آنها، برخی از احکام را تکمیل می‌کند و این همان چیزی است که قرآن کریم بر آن تصریح دارد یعنی انجیل تصدیق‌کننده تورات است و در عین حال در آن موعظه، ذکر، نور، هدایت و احکام الهی نیز وجود دارد.

الف) کاربرد لفظ «انجیل» در متون مسیحیت

یکی از مواردی که نگارنده مدخل «انجیل» در دائرة المعارف قرآن لایدن بر دیدگاه قرآن کریم خرده گرفته این است که انجیل را به صورت مفرد به کار برده و به انجیل متعدد اشاره نکرده است. در پاسخ می‌توان گفت، نظریه قرآن کریم که مبتنی بر یکی بودن انجیل است نه انجیل متعدد، با نگرش به متون مسیحیت نیز قابل اثبات است. پولس یکی از حواریون مسیح علیه السلام بارها مطالب خود را انجیل می‌خواند و گاه به مجموعه عهد جدید هم انجیل گفته می‌شود (جیمز هاکس، قاموس کتاب مقدس، ۱۱۱؛ شاکر، اعلام قرآن، ۱۳۸۹: ۲ / ۴۰۴).

انتشار مجموعه عهد جدید به زبان‌های گوناگون و با عنوان «انجیل» مؤید این معناست (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، همان). شایان توجه است که در خود اناجیل و دیگر کتاب‌های عهد جدید نیز بارها از انجیل آن هم فقط به لفظ مفرد سخن رفته است، بدون آنکه از آن، اناجیل چهارگانه یا همانند آنها قصد شده باشد؛ مانند: «عیسی به جلیل آمده و به بشارت ملکوت خدا موعظه کرده و می‌گفت: وقت تمام شد و ملکوت خدا نزدیک است. پس توبه کنید و به انجیل ایمان بیاورید» (مرقس، ۱/ ۱۴-۱۵، ۸؛ نیز ر.ک: مرقس، ۱/ ۳۵؛ ۱۰/ ۲۸-۲۹، ۱۰/ ۱۳، رومیان، ۱/ ۹).

افزون بر آن، کلیسای قدیم نیز بر واحد بودن انجیل تصریح می‌کرد (میلر، تاریخ کلیسای قدیم، ۱۹۸۱: ۶۶)؛ بنابراین، از این جهت کسی نمی‌تواند بر قرآن کریم خرده گیرد که چرا انجیل را به صورت مفرد به کار برده و به اناجیل متعدد اشاره نکرده است. بنابراین، نمی‌توان ثابت نمود، به دلیل اختلاف مفهومی در باب انجیل، مسلمانان مسیحیان را به تحریف انجیل اصلی متهم کنند، ولی آنچه باعث بدگمانی مسلمانان نسبت به مسیحیان و اعتبار عهد جدید شده است، مخالفت قرآن کریم با ارکان اصلی مسیحیت (تثلیث، تصلیب و تفویه) و مخفی و کتمان کاری برخی حقایق است که قرآن کریم آن را بازگو نموده است؛ از جمله قرآن کریم تصریح می‌نماید که مسیحیان برخی از آموزه‌های انجیل را به فراموشی سپردند ﴿فَتَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ﴾ (مائده/ ۱۴) و پیامبر اکرم ﷺ بسیاری از آن حقایق را که اهل کتاب پنهان نمودند، بیان نمود و از بسیاری دیگر نیز چشم‌پوشی کرد (مائده/ ۱۵). از جمله آن حقایق بشارت به ظهور حضرت محمد ﷺ از جانب حضرت مسیح ﷺ است که قرآن کریم بدان تصریح کرده است.

شایان توجه است، از آنجا که قرآن کریم و انجیل اصلی از یک سرچشمه و منبع نشأت یافته‌اند، درون مایه‌های مشترکی نیز دارند؛ یعنی از جهت نور، هدایت و کتاب آسمانی بودن فرقی با هم ندارند. لذا برخی از حقایق و آموزه‌ها که در دست نوشته‌های مسیحیان موسوم به اناجیل یافت می‌شود، به معنای اقتباس قرآن کریم از آنها نیست، بلکه نشانگر آن است که این آموزه‌ها از انجیل اصلی مورد نظر قرآن کریم به درستی انعکاس یافته‌اند.

ب) اناجیل موجود و بشارت به ظهور پیامبر اکرم ﷺ

در بخش دیگری از مدخل «انجیل» در دائرة المعارف قرآن لایدن آمده است که قرآن کریم به برخی از داستان‌های انجیل و گفتار مربوط به حضرت مسیح ﷺ اشاره دارد که با متون

مسیحیت کاملاً مشابه است و در مواردی بیاناتی را به حضرت مسیح علیه السلام نسبت داده است که در اناجیل رسمی و غیر رسمی نیامده و هیچ جایگاهی در متون مسیحیت ندارد. از جمله قرآن کریم به صراحت ادعا می‌کند که تورات و انجیل به ظهور حضرت محمد صلی الله علیه و آله بشارت داده و خود عیسی علیه السلام این موضوع را پیشگویی کرده است. در این نوشتار به موارد ارجاعی قرآن کریم به مضامین انجیل و همچنین پیشگویی ظهور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از جانب عیسی مسیح علیه السلام که نویسنده صرف ادعا دانسته است، مورد بررسی قرار می‌گیرد تا حقیقت روشن شود.

موارد ارجاعی قرآن کریم به انجیل را به دو قسمت می‌توان تقسیم نمود:

قسم نخست: قرآن کریم در برخی آیات به انجیل راستین اشاره دارد که وحیی است از جانب خداوند که به حضرت مسیح علیه السلام داده شده (مائده/ ۴۶؛ حدید/ ۲۷) و همراه با کتاب، حکمت و تورات بدو آموزش داده شده است (آل عمران/ ۴۸؛ مائده/ ۱۱۰). از دیدگاه قرآن کریم انجیل اصلی همانند دیگر کتب آسمانی هدایت و نور (مائده/ ۴۶) موعظه و اخلاق برای پرهیزگاران است (مائده/ ۴۶)؛ بنابراین، انجیل مورد تصدیق قرآن (مائده/ ۴۶ و ۴۸؛ فاطر/ ۳۱؛ انعام/ ۹۲) مشتمل بر معارف و احکام و اخلاق نیز می‌باشد که اهل انجیل باید آن را به پا دارند (مائده/ ۶۶ و ۶۸) و به دستورالعمل‌های آن نیز جامعه عمل ببوشانند (مائده/ ۴۷).

قسم دوم: در برخی از آیات دیگر به اناجیل موجود در عصر نزول اشاره دارد: از جمله ویژگی‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله (بقره/ ۱۴۶؛ انعام/ ۲۰) و یاران آن حضرت (فتح/ ۲۹). قرآن کریم تصریح می‌کند که اهل کتاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را همانند فرزند خود می‌شناختند و ویژگی‌های آن حضرت را همواره نزد خود در نوشته‌هایی از انجیل و تورات می‌یابند (اعراف/ ۵۷) و در آیه‌ای از قرآن کریم از زبان حضرت مسیح علیه السلام به آمدن پیامبری به نام احمد تصریح می‌نماید. (فتح/ ۲۹). سؤال این است منظور قرآن کریم از انجیل موجود در عصر نزول کدام انجیل یا اناجیل است. در این باره چند فرضیه وجود دارد.

فرضیه یکم: عهد جدید

از قرن دوم میلادی به بعد مجموعه از نوشته‌های حواریون به عهد جدید شهرت یافت که متشکل از اناجیل چهارگانه، نامه‌ها، و اعمال رسولان و مکاشفات است.

فرضیه دوم: انجیل دیاتسرون

گفته شده که تا سال ۴۰۰ م. کتاب رسمی مسیحیان در مناطق خاورمیانه کتاب واحدی بوده که از ادغام چهار انجیل معروف به وجود آمده بوده است. این انجیل، «دیاتسرون» (Diatesseron) نام دارد که به زبان سریانی نوشته شده است؛ از این رو، احتمال دارد این انجیل در زمان نزول قرآن کریم نیز کم و بیش در میان نصاری جزیره العرب مرسوم بوده باشد. هم اکنون اصل کامل این انجیل در دسترس نیست و تنها ترجمه بخش‌هایی از آن به زبان‌های دیگر موجود است.

فرضیه سوم: یکی از انجیل آپوکریفا و غیر رسمی

از جمله انجیل غیررسمی؛ انجیل برنابا یا انجیل عربی کودکی است که برخی از حقایق مطرح شده در قرآن کریم درباره انجیل و داستان‌های مربوط به حضرت مسیح علیه السلام در آنها بازتاب یافته است (شاکر، انجیل با دوقرائت، ۱۳۸۴: ۸۶).

با توجه به این سه فرضیه می‌توان گفت:

اولاً: مسلم است که قرآن کریم انجیل را به صورت مفرد به کار برده است؛ بنابراین نه انجیل چهارگانه را قصد کرده و نه به انجیل خاصی اشاره دارد. اگر این گونه بود، باید به نام آن تصریح می‌کرد. عهد جدید هم هیچ‌گاه انجیل را به صورت جمع (انجیل) به کار نبرده است.

ثانیاً: برخی از گزارش‌های قرآن کریم از داستان‌ها و حوادث مربوط به زمان عیسی علیه السلام در نوشته‌های رسمی عهد جدید و انجیل چهارگانه آمده است؛ مانند گزارش قرآن کریم درباره حضرت مریم علیها السلام یحیی علیه السلام و زکریا علیه السلام و بشارت تولد عیسی بن مریم علیها السلام (آل عمران / ۳۹-۴۷؛ لوقا، ۱ / ۱۳-۱۹؛ ۱ / ۲۶-۳۵)، اما این مطالب در انجیل‌های غیررسمی مثل انجیل عربی کودکی وجود ندارد. همچنین برخی از گزارش‌ها مانند سخن گفتن عیسی علیه السلام در گهواره و «دمیدن روح در هیکل گلین پرنده» در انجیل‌های رسمی وجود ندارد، اما در برخی انجیل‌های غیررسمی مانند انجیل عربی کودکی وجود دارد.

همچنین برخی از مطالبی که قرآن کریم در مورد حضرت عیسی علیه السلام بیان می‌کند، در هیچ یک از کتاب‌های موجود مسیحیان وجود ندارد (شاکر، همان).

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که موارد ارجاعی قرآن کریم به انجیل موجود مسیحیان در عصر نزول، مجموعه‌ای از نوشته‌ها اعم از «عهد جدید» و انجیل آپوکریفا است.

۶- بشارت به ظهور پیامبر اکرم ﷺ در قرآن کریم و روایات

نویسنده مدخل «انجیل» در دائرة المعارف قرآن لایدن، بشارت به ظهور پیامبر اکرم ﷺ از جانب حضرت مسیح علیه السلام را صرف یک ادعا دانسته و گفته است این مسأله از جمله مواردی است که در متون مسیحیت هیچ جایگاهی ندارد. حال، به بررسی این مسئله از دیدگاه قرآن و انجیل پرداخته می‌شود تا حقیقت روشن شود.

مطابق سنت اسلامی، پیامبران علیهم السلام همچون حلقه یک زنجیر به هم پیوسته‌اند که یکی پس از دیگری از جانب خداوند فرورستاده شده‌اند (مؤمنون / ۴۴؛ اسرا / ۷۷؛ یونس / ۴۷). هر پیامبری تصدیق کننده پیامبران پیش از خود و بشارت‌دهنده به پیامبر و یا پیامبران بعد از خود بوده است. قرآن کریم تصریح می‌نماید که خداوند از همه پیامبران پیمان گرفته است تا به امت‌های خود ابلاغ کنند که هرگاه پیامبری آمد و آموزه‌های وحیانی پیامبران سابق را تصدیق کرد، به او ایمان آورند و یاری‌اش رسانند (آل عمران / ۸۱). از آنجا که دین مبین اسلام آخرین شریعت و آورنده آن خاتم الانبیا است (احزاب / ۴۰)، همه پیامبران گذشته از امت‌های خود پیمان گرفته‌اند که به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ایمان آورند و او را یاری کنند. این امر خود به طور تلویحی بر بشارت پیامبران الهی نسبت به پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نیز حکایت دارد (نهج البلاغه، خطبه ۱؛ مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۳: ۱۵ / ۱۷۹؛ سیوطی، درالمنثور، ۱۴۰۴: ۱۰۸ / ۲).

از برخی آیات دیگر قرآن کریم استفاده می‌شود که اهل کتاب چشم به انتظار ظهور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده‌اند و حتی ویژگی‌های آن حضرت، چنان روشن و شفاف در نوشته‌های آنان انعکاس یافته بود که همانند فرزندان خود آن جناب را می‌شناختند: «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ آبْنَاءَهُمْ» (بقره / ۱۴۶؛ انعام / ۲۰)، ولی بعد از اینکه حق و حقیقت آشکار شد، بسیاری از آنان حقیقت را کتمان نموده و به آن حضرت ایمان نیاوردند (بقره / ۴۱، ۸۹ و ۱۴۶؛ نساء / ۴۷).

در پی این کتمان و انکار حقایق از طرف برخی اهل کتاب، قرآن کریم به صراحت به افشای نشانه‌ها و ویژگی‌های پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و حتی یاران راستین آن حضرت می‌پردازد تا برای حق‌جویان در این باره هیچ‌گونه ابهامی باقی نماند. قرآن کریم می‌فرماید: اهل کتاب ویژگی‌های آن جناب که پیامبر امی و درس ناخوانده است، نزد خود در نوشته‌هایی از انجیل

و تورات همواره آن را می‌یابند: «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْنُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ» (اعراف / ۱۵۷). در این آیه به سه ویژگی پیامبر اکرم ﷺ «رسول»، «نبی» و «امّی» تأکید شده است.

در آیه دیگری بیان می‌کند که اوصاف پیامبر اکرم ﷺ و حتی یاران راستین آن جناب در تورات و انجیل آمده است: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكْعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَنْعَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَرِزِعٌ أَخْرَجَ سُطَّاهُ فَاذْرَهُ فَاسْتَعْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا» (فتح / ۲۹).

از همه مهم‌تر قرآن کریم به صراحت بیان می‌کند که حضرت مسیح عليه السلام به بنی اسرائیل، ظهور پیامبر اکرم ﷺ به نام «احمد» را بشارت داده است: «وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدٌ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ» (صف / ۶).

گرچه این آیه تصریح نمی‌کند که بشارت حضرت عیسی عليه السلام در مورد پیامبر اکرم ﷺ در انجیل بوده است یا خیر، با این حال، در روایات اسلامی در تفسیر این آیه، این بشارت را از بشارت انجیل دانسته شده است. احادیثی از پیامبر اکرم ﷺ نقل شده که نام او در تورات «احید»، در انجیل «احمد» و در قرآن «محمد» است (ابن بابویه، معانی الأخبار، ۱۴۰۳: ۵۱). همچنین از ابن عباس نقل شده که نام‌هایی چون «احمد»، «محمد»، «فارقلیط» و «مادماذ» از جمله نام‌های پیامبر اکرم ﷺ در کتاب‌های آسمانی امت‌های پیشین است (سیوطی، خصائص الكبرى، ۱۹۸۵: ۱/۱۳۳). در گفت‌وگوها و مناظرات علمی امام رضا عليه السلام با مسیحیان نیز وجود بشارت و نام پیامبر اکرم ﷺ در تورات و انجیل از طرف آنان تأیید شده است. آن حضرت در مناظره با جاثلیق مسیحی فرمودند: «آیا از این سخن عیسی عليه السلام آگاهی که فرمود: من به سوی پروردگار شما و پروردگارم می‌روم و بارقلیطا خواهد آمد، مرا تأیید و تصدیق می‌کند، همان‌طور که الآن من به او گواهی دادم و اوست که همه چیز را برای شما تبیین خواهد کرد؟». آن گاه آن کشیش مسیحی تأیید کرد که این مطالب در انجیل آمده است (ابن بابویه، عیون اخبارالرضا عليه السلام، ۱۳۷۸: ۱/۱۶۲).

بنابراین، در بینش قرآنی، حضرت عیسی (علیه السلام) در کنار دعوت بنی‌اسرائیل به پیروی از تورات، به آمدن پیامبری پس از خود به نام احمد بشارت داده است. همچنین روایات فراوانی به آمدن نام پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در کتب آسمانی پیشین، به ویژه انجیل، به نام «احمد» تأکید دارد. لذا از این جهت هیچ ابهامی نیست. نکته مورد اختلاف و چالش برانگیز این است، آیا بشارت به ظهور پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) را در انجیل موجود می‌توان یافت؟

۷- بشارت به ظهور پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در متون مسیحیت

بشارت به ظهور پیامبری از جانب پیامبران پیشین، امر تازه‌ای نیست که در قرآن و روایات اسلامی انعکاس یافته باشد، بلکه مطابق سنت مسیحیان، پیامبران عهد قدیم غیر از هدایت مردم، رسالت دیگری نیز بر عهده داشته‌اند که پیشگویی ظهور حضرت عیسی (علیه السلام) و ورود بشر به دوره عهد جدید با خداوند بوده است؛ از این رو، نزد مسیحیان بخش جالب توجهی از نوشته‌های عهد عتیق به عنوان کتاب‌های «پیشگویی» «prophecy» نام برده شده و مسیحیان ادعای خویش مبنی بر مسیحا بودن عیسی را بر آن پیشگویی‌ها بنیان نهاده‌اند (شاکر، بشارت‌های عهدین، ۱۳۸۹: ۲).

همان طور که گذشت، قرآن کریم به روشنی می‌فرماید که در انجیل مطالبی درباره پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و یارانش مکتوب بوده و آن مطالب در دست‌نوشته‌های مسیحیان در زمان نزول قرآن کریم بوده است. این نظریه قرآن کریم در نوشتارهای موسوم به انجیل قابل اثبات است.

مفهوم «پاراکلیتوس» و مطابقت آن با واژه «احمد» در قرآن کریم

واژه «پاراکلیتوس» در اصل یک واژه یونانی از ریشه «پراکتیو» است که در زبان عربی «فارقلیط» خوانده می‌شود. این واژه در اصل سریانی بوده و ترجمه عربی آن محمد به معنی «ستوده شده» است. کلمه «فارقلیط» (پاراکلیتوس) همان واژه فرقلیط (پریکلیتوس) به معنای احمد (بسیار ستوده) یا محمد (ستوده شده) است.

این واژه از نظر دستور زبان حالت مجهول دارد و به معنای «آن کس که فراخوانده شده» آمده است. معنای معلوم آن عبارت از مدافع، وکیل، یاری رسان یا شفاعت کننده است. از سوی دیگر، معادل دقیقی در زبان انگلیسی برای این کلمه وجود ندارد. «جلال دهنده» و «ستایش شده» هم از معنایی است که برای آن به کار رفته است (علیپور، پاراکلیتوس در انجیل یوحنا و تجلی آن در عرفان اسلامی (مجله تاریخ فلسفه)، ۱۳۹۰).

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت واژه‌های «پاراکلیتوس» یا «پراکلیتوس» هر دو معادل‌های قریب المعنی برای واژه‌های «محمّد» (ستوده) «Praised»، و احمد به معنای «بسیار ستوده» «Highly Praised» بوده (رابینسون، عیسی در قرآن، ۱۳۸۳: ۱۵۵) و بر پیامبر اکرم ﷺ قابل تطبیق می‌باشند (همان؛ شاکر، بشارت‌های عهدین در باره پیامبر اکرم ﷺ، ۱۳۸۹: ۱۶-۱۷).

پیشگویی و بشارت‌ها در مورد پیامبر اکرم ﷺ در کدام انجیل

در دست نوشته‌های مسیحیان موسوم به اناجیل که برخی از آموزه‌های انجیل اصلی مورد نظر قرآن کریم نیز به درستی در آنها انعکاس یافته است، می‌توان فرازهایی یافت که به ظهور پیامبر اکرم ﷺ اشاره دارد.

در انجیل یوحنا آمده است: «روزی سران قوم یهود از شهر اورشلیم، چند تن از کاهنان را نزد یحیی فرستادند تا بدانند آیا او ادعا می‌کند که مسیح است یا نه! یحیی روشن و بی‌پرده اظهار داشت: نه، من مسیح نیستم. پرسیدند: خوب، پس که هستید؟ آیا الیاس پیغمبرید؟ جواب داد: نه! پرسیدند: آیا شما آن پیغمبر نیستید که ما چشم به راهش می‌باشیم؟ باز هم جواب داد: نه!» (یوحنا، ۱/ ۱۹-۲۱).

در فرازی دیگری از انجیل یوحنا آمده است: «وقتی عیسی به میان مردم آمد و معجزات خود را آشکار ساخت، مردم در مورد وی اختلاف کردند. عده‌ای گفتند که او مسیح است و عده‌ای دیگر گفتند که او به راستی همان پیامبری است که چشم به راهش بوده‌ایم» (یوحنا، ۷/ ۴۰-۴۱).

از این عبارات به خوبی معلوم می‌شود یهودیان و مسیحیان در زمان حضرت مسیح ﷺ چشم به راه پیامبری بوده‌اند که ظهورش بدانها بشارت داده شده بود.

انجیل یوحنا یکی از اناجیل چهارگانه موجود می‌باشد که نام و نشان پیامبر اکرم ﷺ به خوبی در آن بازتاب یافته است. واژه «پاراکلیتوس» که قابل تطبیق بر پیامبر اکرم می‌باشد، چهار بار در انجیل یوحنا آمده است:

۱. «چون او یعنی روح راستی آید، شما را به جمع راستی هدایت خواهد کرد؛ زیرا که او از خود تکلم نمی‌کند، بلکه به آنچه شنیده است، سخن خواهد گفت و از امور آینده به شما خبر خواهد داد» (یوحنا، ۱۶/ ۱۳).

۲. «ومن به شما راست می‌گویم که رفتن من برای شما مفید است؛ زیرا اگر نروم تسلی دهنده نزد شما نخواهد آمد، اما اگر من بروم او را نزد شما می‌فرستم» (یوحنا، ۷/۱۶).

۳. «لیکن تسلی دهنده که پدر او را به اسم من می‌فرستد، او همه چیز را به شما تعلیم خواهد داد و آنچه به شما گفتم به یاد شما خواهد آورد» (یوحنا، ۱۴/۲۴).

۴. «من از پدر سؤال می‌کنم و تسلی‌دهنده دیگری به شما عطا خواهد کرد تا همیشه با شما بماند».

در این فرازهای انجیل یوحنا واژه «پاراکلیتوس» که برگردان عربی آن «فارقلیطست» به روح راستی و تسلی دهنده ترجمه شده است که بر نام پیامبر اکرم ﷺ قابل تطبیق است. این نکته را نیز می‌توان اضافه نمود که نه تنها نام پیامبر اکرم ﷺ، بلکه برخی اوصاف آن حضرت را نیز در متون مسیحی می‌توان یافت.

در مکاشفه یوحنا آمده است که اسب سواری با نام «امین» می‌آید که به حق و عدل مبارزه می‌کند:

«و دیدم آسمان گشوده و ناگاه اسبی سفید که سوارش امین و حق نام دارد و به عدل داوری و جنگ می‌نماید» (مکاشفه یوحنا، ۱۹/۱۱).

نیز آمده است:

«همچنین او از خود تکلم نمی‌کند، بلکه به آنچه شنیده است، سخن خواهد گفت» (یوحنا، ۱۶/۱۳)؛ یعنی هر آنچه او می‌گوید، کلام الهی است که بدو وحی شده است.

قرآن کریم نیز بر این امر تأکید دارد که پیامبر اکرم ﷺ هر آنچه سخن می‌گوید، از روی هوا و هوس نیست، بلکه وحی خداوندی است: «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» (نجم/ ۳-۴) و مأمور است در خواندن وحی، تنها از آنچه بر او خوانده می‌شود، پیروی کند: «فَإِذَا قَرَأْتَهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ» (قیامت/ ۱۸) و با این آیه بر فعل «خواندن» تأکید شده است.

نتیجه

آنچه امروزه مسیحیان آن را حقیقت انجیل عیسی مسیح ﷺ می‌نامند، هیچ سنخیتی با انجیل مورد نظر قرآن ندارد.

کاربرد قرآن کریم در مورد انجیل به عنوان کتاب و شریعت حضرت عیسی ﷺ با برخی کاربردهای دیگر نظیر آنچه در عهد جدید به عنوان انجیل یاد شده است، مغایرتی ندارد؛ زیرا ممکن است که برخی از آن کاربردها به لب و حقیقت انجیل اشاره داشته باشد.

منظور قرآن کریم از انجیل موجود در عصر نزول هیچ یک از کتاب‌های خاص مسیحیان چه معتبر و چه غیر معتبر نیست، بلکه اعم از عهد جدید و اناجیل و آپوکریفا می‌باشد. مواردی را که قرآن به انجیل عصر نزول ارجاع می‌دهد، در نوشته‌های موسوم به عهد جدید مسیحیان می‌توان یافت.

قرآن کریم به اشارت و صراحت تأکید کرده که اهل کتاب با توجه به آموزه‌های دینی‌شان پیامبر اکرم ﷺ را می‌شناخته‌اند و آنان را به نوشته‌ای که به انجیل موسوم بوده، ارجاع داده است.

بشارت به «احمد» توسط حضرت عیسیٰ (علیه السلام) از مباحث چالش برانگیز بین مسلمانان و مسیحیان بوده است. قرآن کریم نشانی این بشارت را به انجیل حواله نداده است، با این حال، برخی روایات اسلامی منبع این بشارت را انجیل دانسته‌اند.

تطبیق فارقلیط موعود را بر حضرت محمد ﷺ، که معادل واژه پاراکلیتوس است، در اناجیل موجود مسیحیان می‌توان یافت.

منابع

۱. مکارم شیرازی، ناصر، ترجمه قرآن، قم، دارالقرآن الکریم، چاپ ۱۳۷۳ش، چاپ دوم.
۲. انجمن کتاب مقدس ایران، کتاب مقدس (شامل، تورات، انجیل و ملحقات آنها)، تهران: انتشارات انجمن بین‌المللی کتاب مقدس، ۱۹۳۲م.
۳. انجیل، انتشارات کتاب مقدس، ۱۹۷۶م.
۴. امام علی (علیه السلام) نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم: نشر شهاب الدین، ۱۳۸۳ش.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا (علیه السلام)، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ق.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی، معانی الأخبار، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ق.
۷. ابن طاووس، علی بن موسی، إقبال الأعمال، تهران: دارالکتب الإسلامیه، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.
۸. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار صادر، چاپ سوم، بی تا.
۹. ابو داوود، سلیمان بن اشعث سجستانی ازدی، السنن؛ سنن ابی داوود، تحقیق محمد محیی الدین عبد الحمید، دار الفکر، بی تا.
۱۰. آرتور جفری، واژه‌های دخیل در قرآن، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: توس، چاپ دوم، ۱۳۸۶ش.
۱۱. آشتیانی، جلال‌الدین، تحقیقی در دین مسیح، تهران: نشر نگارش، ۱۳۶۸ش.
۱۲. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۱۳. بجنوردی، کاظم، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران: مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۳ش.
۱۴. جیمز هاکس، قاموس کتاب مقدس، تهران: طهوری، ۱۳۴۹ش.
۱۵. رابینسون، نیل، عیسی در قرآن؛ عیسی تاریخ و اسطوره تجسد، ترجمه محمد کاظم شاکر، مجله هفت آسمان، ش ۲۴، ۱۳۸۳.
۱۶. رشید رضا، المنار، بیروت: دارالمعرفة، ۱۳۴۲ق.
۱۷. زبیدی، مرتضی، تاج العروس، بیروت: دارالفکر، بی تا.
۱۸. سیوطی، جلال‌الدین، الخصائص الکبری او کفاية الطالب اللیب فی خصائص الحبيب، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۹۸۵ق.
۱۹. سیوطی، جلال‌الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.

۲۰. شاکر، محمد کاظم، انجیل با دو قرائت، مجله پژوهش‌های فلسفی - کلامی، شماره ۲۴، تابستان ۱۳۸۴ ش.
۲۱. شاکر، محمد کاظم، بشارت‌های عهدین در مورد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، پژوهش نامه قرآن و حدیث، شماره ۷، تابستان و پاییز ۱۳۸۹ ش.
۲۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۲۳. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۴. فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی چاپ سوم، ۱۴۲۰ ق.
۲۵. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۶۴ ش.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۲۷. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
۲۸. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، اعلام قرآن، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۵.
۲۹. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، دائرة المعارف قرآن کریم، قم: بوستان کتاب، چاپ سوم، ۱۳۸۶ ش.
۳۰. مسلم، صحیح مسلم، دارالکتب العربی، بیروت: بی تا.
۳۱. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ سوم، بی تا.
۳۲. مک گراث، آلیستر، درسنامه الهیات مسیحی، ترجمه بهروز حدادی، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۲ ش.
۳۳. میشل، توماس، کلام مسیحی، ترجمه حسین توفیقی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۱ ش.
۳۴. و. م. میلر، تاریخ کلیسای قدیم در امپراطوری روم و ایران، ترجمه علی نخستین، انتشارات حیات ابدی، ۱۹۸۱ م.

35. *Encyclopedia Of Islam* (E. I), E. J. Brill, Leiden, 1986.

36. *Encyclopedia Of Quran* (E. Q)